



25

فصل اول: فیزیک و اندازه‌گیری

پاسخ نامہ فصل اول

31

65

فصل دوم: ویژگی‌های فیزیکی مواد

پاسخ نامہ فصل دوم



VF

96

فصل سوم: کار، انرژی و توان

پاسخ نامہ فصل سوم

1.5

۱۴۴

فصل چہارم: دما و گرما

پاسخ نامہ فصل چہارم



141

149

آزمون‌های نوبت اول

آزمون‌های نوبت دوم



همین اول ماجراهای فیزیک بگویم که ماجرای این فصل، یک ماجرای دنباله دار است. یعنی فکر نکنید که در آخر فصل، ماجرای آن تمام می شود. در همه فصل های بعدی و تا وقتی فیزیک می خوانید و حتی خیلی وقت ها در زندگی روزمره خودتان مطالب این فصل را لازم دارید. پس آن را خوب یاد بگیرید و البته مواظبتون به ریاضی هم باشه که تو فیزیک خیلی مهمه!

امیدوارم ماجراهای به یادموندنی و شیرینی رو در فیزیک تجربه کنید

فیزیک. دانش بنیادی

هر روز در اطراف ما اتفاقات زیادی رخ می دهد. هر کدام از این اتفاق ها یک پدیده است. تابش نور خورشید، حرکت عقربه های ساعت، حرف زدن معلم و شنیدن شما، ترمز کردن یک اتومبیل، راه رفتن، افتادن برگ از درختان و ... هر کدام یک پدیده هستند. اگر به سادگی از کنار این پدیده ها عبور نکنیم و بخواهیم علت آن ها را با روش های علمی مطالعه کنیم، نیازمند علم فیزیک خواهیم بود. فیزیک را یکی از علوم پایه می دانیم. فیزیک از بنیادی ترین دانش ها و پایه و اساس تمام مهندسی ها و فناوری هاست و به همین دلیل است که مطالعه و یادگیری آن برای ما اهمیت زیادی دارد.

مدل. نظریه و قانون فیزیکی

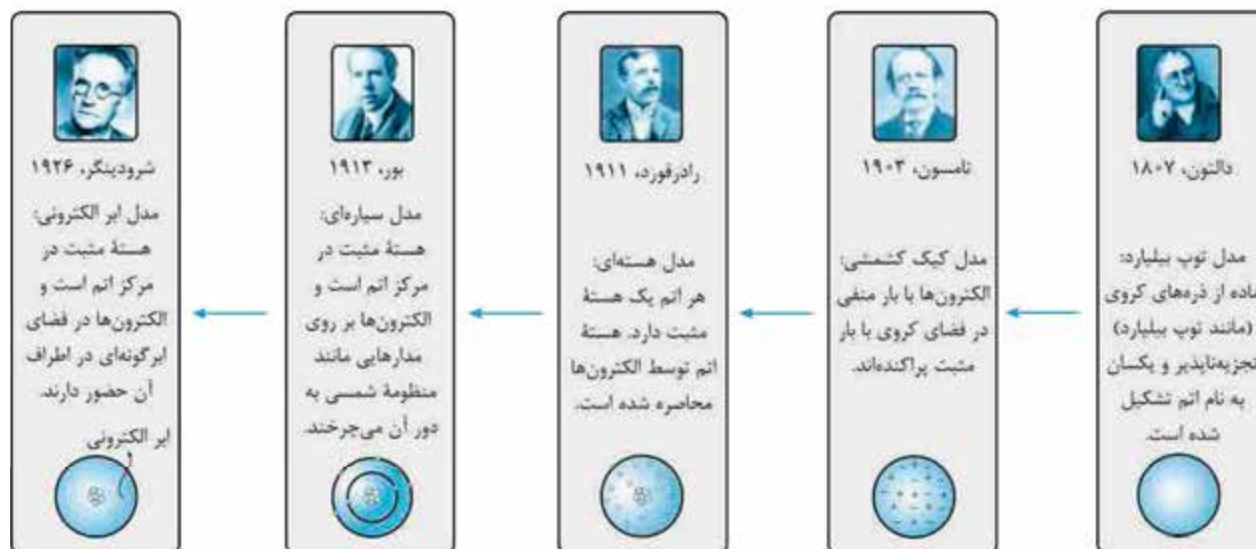
فیزیک دانان برای بررسی پدیده های طبیعت، بیشتر وقت ها^۱ به شکل زیر عمل می کنند: آن ها ابتدا یک پدیده را به دقت مشاهده و بررسی کرده و سعی می کنند آن را براساس یک مدل شبیه سازی کنند. مدل نوعی مقایسه و شبیه سازی یک پدیده فیزیکی واقعی با چیزی است که ما با آن آشنا هستیم. وقتی یک مدل ساخته شد، فیزیک دان ها تلاش می کنند با انجام آزمایش ها و مشاهدات دقیق تر، آن مدل را اصلاح کرده و گسترش دهند و به جزئیات بیشتری از آن پدیده دست یابند. در این مرحله است که یک نظریه فیزیکی ساخته می شود. نظریه فیزیکی می تواند به ساختن مدل های جدید نیز کمک کند. هنگامی که یک نظریه کاملاً تثبیت شده و از تمام آزمایش ها سربلند بیرون یابد، به یک قانون فیزیکی تبدیل می شود.

برای این که از پدیده های فیزیکی به قانون های فیزیکی برسیم، نیازمند مشاهده^۲ و آزمایش هستیم. فیزیک علمی تجربی است و مشاهده و آزمایش در پیشبرد و تکامل علم فیزیک، نقش و اهمیت زیادی دارد، اما این به تنهایی کافی نیست. تفکر نقادانه و اندیشه ورزی فعال فیزیک دانان نسبت به پدیده های طبیعی، نقش بیشتری در این زمینه ایفا کرده است. از طرفی باید بدانیم که ممکن است مدل ها و نظریه های فیزیکی در طول زمان همواره معتبر نباشند و گاهی بنا بر نتایج آزمایش های جدید، دستخوش تغییر و بازنگری شوند. همین ویژگی، یعنی آزمون پذیری و اصلاح نظریه های فیزیکی، نقطه قوت دانش فیزیک است.

۱- رسیدن به نظریه های فیزیکی همیشه با مشاهده یا مدل سازی همراه نیست. به طور مثال، دانشمندی چون اینشتین و مکتول نظریه هایی ارائه کردند که سال ها بعد در پدیده های طبیعت مشاهده شد و مورد آزمایش قرار گرفت.

۲- منظور از مشاهده، هرگونه اطلاعاتی است که بتوانیم راجع به یک پدیده به دست آوریم و فقط به نگاه کردن محدود نمی شود.

نمونه: تغییر مدل اتمی در طول زمان. مدل اتمی یکی از نمونه های خوبی است که تأثیر مشاهده، آزمایش و اندیشه ورزی فیزیک دانان را در طول زمان نشان می دهد.



تمرین

۱- در جمله های زیر جاهای خالی را با کلمه یا عبارت مناسب کامل کنید.

الف) نقطه قوت دانش فیزیک، دو ویژگی و است.

ب) آنچه بیش از مشاهده و آزمایش در پیشبرد و تکامل علم فیزیک نقش داشته، و فیزیک دانان نسبت به پدیده های طبیعی است.

۲- در چه صورتی مدل ها و نظریه های فیزیکی دچار تغییر می شوند؟

مدل سازی در فیزیک

فرض کنید شما یک فیزیک دان هستید که می خواهید یک پدیده به ظاهر ساده مانند سقوط یک جسم از بالای یک ساختمان بلند را بررسی و مطالعه کنید و در نهایت، الگو و نظم خاص حاکم بر آن را به دست آورید.

اگر مشاهدات شما دقیق باشد، خواهید دید که عوامل مختلفی مانند مقاومت هوا، تغییر نیروی جاذبه بر اثر تغییر ارتفاع و ... روی زمان سقوط اجسام تأثیر می گذارند. اگر بخواهید همه این عوامل را با هم در نظر بگیرید، با پیچیدگی هایی روبه رو می شوید که کار شما را سخت خواهد کرد. برای همین مجبور خواهید شد به جای یک پدیده واقعی، یک مدل ساده شده و آرمانی را بررسی کنید.

در این مدل ساده شده، شما از تأثیر مقاومت هوا و تغییر نیروی جاذبه بر اثر تغییر ارتفاع چشم پوشی می کنید.

روشی را که شما برای ساده سازی پدیده فیزیکی مورد مطالعه تان به کار بردید، **مدل سازی** نامیده می شود. **مدل سازی** فرایندی است که در آن یک پدیده فیزیکی را آن قدر ساده و آرمانی در نظر می گیریم تا امکان بررسی و تحلیل آن فراهم شود.

از مدل سازی تقریباً در تمام موضوعات علم فیزیک استفاده می شود.

در ادامه، دو مثال از کاربرد مدل سازی در مکانیک را با هم می بینیم. مکانیک شاخه ای از فیزیک است که حرکت اجسام و نیروهای وارد بر آن ها را بررسی می کند.

مثال و پاسخ

مثال: یک دروازه‌بان فوتبال، توپ کاشته‌ای را شوت می‌کند. یک فیزیک‌دان می‌خواهد نحوه حرکت این توپ را بررسی کند.

الف: چه عواملی باعث می‌شوند که تحلیل حرکت این توپ پیچیده شود؟

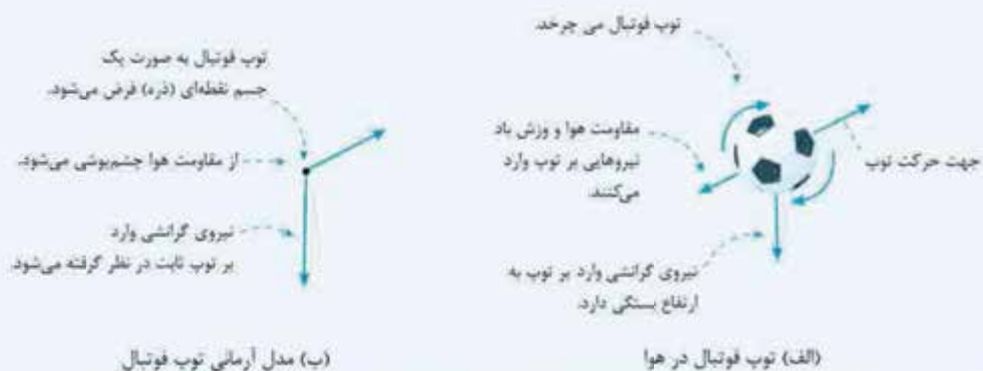
ب: چگونه می‌توان حرکت این توپ را مدل‌سازی کرد؟

پاسخ الف: این عوامل باعث پیچیده شدن تحلیل حرکت توپ می‌شوند:

- دروازه و برجستگی‌های ریزی روی توپ فوتبال وجود دارد که باعث می‌شود این توپ یک کره دقیق نباشد.
- توپ در هنگام حرکت به دور خود می‌چرخد.
- باد و مقاومت هوا بر حرکت توپ اثر می‌گذارند.
- وزن توپ با تغییر فاصله از زمین تغییر می‌کند.

ب: برای مدل‌سازی حرکت توپ و کاهش پیچیدگی‌های بالا، این فرض‌ها را در نظر می‌گیریم:

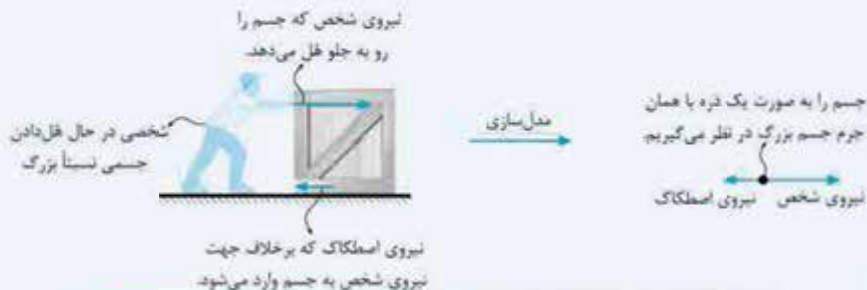
- از اندازه و شکل توپ صرف‌نظر کرده و آن را به صورت یک جسم نقطه‌ای یا ذره در نظر می‌گیریم.
- از مقاومت هوا و اثر وزش باد صرف‌نظر کرده و فرض می‌کنیم که توپ در خلأ حرکت می‌کند.
- فرض می‌کنیم با تغییر فاصله توپ از زمین، وزن آن ثابت می‌ماند.



مثال و پاسخ

مثال: شخصی جسم نسبتاً بزرگی را روی زمین هل می‌دهد. برای بررسی حرکت جسم و نیروهای وارد بر آن، چگونه از مدل‌سازی استفاده می‌کنیم؟

پاسخ: برای بررسی راحت‌تر، در نظر می‌گیریم که نیروها به یک نقطه اثر می‌کنند؛ بنابراین جسم را به صورت یک ذره با همان جرم جسم بزرگ‌تر در نظر می‌گیریم. شخصی که نیرو وارد می‌کند و نحوه وارد کردن نیرو نیز برای ما مهم نیست. نحوه مدل‌سازی این پدیده را در زیر ببینید:



نکته: برای ساختن یک مدل درست از یک پدیده فیزیکی، باید تعداد اندکی از اثرهای جزئی‌تر را نادیده بگیریم تا روی مهم‌ترین ویژگی‌ها تمرکز کنیم. باید مراقب بود که بیش از حد چشم‌پوشی نکرده و ویژگی‌های اساسی را در مدل خود حفظ کرده باشیم. مثلاً اگر در مثال شوت کردن توپ فوتبال به جای نادیده گرفتن مقاومت هوا از نیروی جاذبه زمین چشم‌پوشی می‌کردیم، براساس مدل ما توپ پس از پرتاب، در یک مسیر مستقیم برای همیشه به حرکت خود ادامه می‌داد!

تمرین

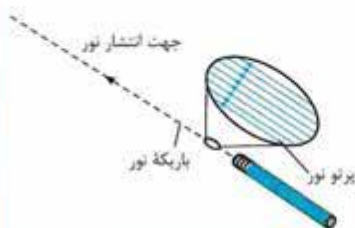
۳- مدل‌سازی را تعریف کنید.

۴- ویژگی یک مدل‌سازی خوب چیست؟

۵- لیزر مدادی وسیله‌ای است که با آن می‌توان باریکه نور تولید کرد. یکی از کاربردهای باریکه نور، استفاده از آن در آزمایش‌های مربوط به نور است.

الف) در شکل مقابل چه چیزی مدل‌سازی شده است؟

ب) در مسائل تشکیل تصویر توسط پرتوهای نور معمولاً از چه فرض‌های ساده‌کننده‌ای استفاده می‌شود؟



اندازه‌گیری و کمیت‌های فیزیکی

دیدیم که فیزیک علمی تجربی است و تجربه نیازمند مشاهده و آزمایش است. مشاهدات و آزمایش‌های دقیق فقط از طریق اندازه‌گیری درست انجام می‌شود؛ بنابراین اندازه‌گیری در فیزیک از اهمیت بالایی برخوردار است.

کمیت فیزیکی

در هر اندازه‌گیری، کمیت‌های فیزیکی اندازه‌گیری می‌شوند. در واقع کمیت فیزیکی چیزی است که قابل اندازه‌گیری باشد و بتوان مقدار آن را با یک عدد مشخص کرد. طول، میز، وزن، کیف و دمای کلاس هر کدام یک کمیت هستند ولی احساس گرما، احساس خواب‌آلودگی و مهربانی هیچ‌کدام کمیت نیستند؛ چون مقدار آن‌ها را نمی‌توان با یک عدد مشخص کرد.

مثلاً هیچ‌وقت نمی‌گوییم ۲ تا گرمه یا ۲۰ تا فواجم میاد یا مادر من ۲۰۰ تا مهربونه!

یکای اندازه‌گیری

به اندازه‌گیری‌هایی که هر روز در اطرافتان اتفاق می‌افتد، دقت کنید. مثلاً ممکن است به دوستان بگویید که از خانه ما تا خیابان ۱۵۰ قدم است. در این اندازه‌گیری، شما فاصله خانه تا خیابان را با طول قدمتان مقایسه کرده و نتیجه را به صورت یک عدد (در این جا ۱۵۰) و یک یکا (در این جا طول قدم خودتان) بیان کرده‌اید.

یکای هر کمیت، مقدار مشخصی از آن کمیت است که به عنوان مقیاس اندازه‌گیری انتخاب می‌شود.

وقتی کمیتی را اندازه می‌گیریم، در واقع داریم آن کمیت را با یکای آن کمیت مقایسه می‌کنیم تا معلوم شود بزرگی آن چند برابر یکاست.

کمیت‌های نرده‌ای و برداری

فرض کنید معلمان از شما می‌پرسد که از مدرسه تا خانه چند دقیقه در راه هستید؟ و شما پاسخ می‌دهید ۲۰ دقیقه. این جواب کامل است و معلمان منتظر اطلاعات جدیدی نیست. حالا اگر معلمان بپرسد که خانه شما کجاست؟ و شما بگویید ۲ کیلومتر دورتر از مدرسه، جواب کاملی نداده‌اید. برای این که جواب شما به سؤال دوم کامل باشد، باید علاوه بر طول مسیر، جهت حرکت را هم مشخص کنید. در واقع سؤال اول از یک کمیت عددی (زمان) پرسیده شده و جواب آن تنها یک عدد به همراه یکای آن است، اما در سؤال دوم از یک کمیت برداری (مکان) سؤال شده و جواب آن باید علاوه بر عدد و یکا، جهت را نیز مشخص کرده باشد؛ بنابراین:

کمیت‌های نرده‌ای یا عددی یا اسکالر کمیت‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را به طور کامل توسط یک عدد و یک یکا توصیف کرد.

مانند: جرم، طول، زمان، دما و ...

توجه در آینده با بعضی از کمیت‌های نرده‌ای آشنا خواهید شد که فقط با یک عدد بیان می‌شوند و یکا ندارند. مثل: ضریب اصطکاک، ضریب شکست نور و ... در واقع یکای این کمیت‌ها، حاصل تقسیم دو یکای هم‌جنس است که با هم ساده می‌شوند و کمیت، در نهایت بدون یکا است.

مثلاً ممکن است کمیتی از تقسیم دو نیرو بر هم به دست بیاید $(\frac{N}{N})$ که پس از ساده‌سازی، بدون یکا خواهد بود.

کمیت‌های برداری کمیت‌هایی هستند که برای توصیف کامل آن‌ها باید به طور هم‌زمان از عدد، یکا و جهت استفاده کرد. مانند: مکان، جابه‌جایی، سرعت متوسط، نیرو و ...

مثال کمیت‌های فیزیکی برداری						مثال کمیت‌های فیزیکی نرده‌ای (اسکالر)					
جابه‌جایی			سرعت متوسط			جرم		دما		زمان	
۲ km	به طرف شرق	۳۰ km/h	۲	به طرف شرق	۳۰	۶۰ kg	۲۵ °C	۳۰ s	۲۵	۳۰	۳۰
↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑	↑
عدد	یکای جهت	عدد	یکای جهت	عدد	یکای جهت	عدد	یکای عدد	عدد	یکای عدد	عدد	یکای عدد

نکته وقتی می‌خواهیم یک کمیت برداری را نشان دهیم، بالای نماد آن کمیت یک علامت پیکان می‌گذاریم. اگر این علامت پیکان نباشد، منظورمان فقط اندازه آن کمیت برداری است.

نمونه $\vec{F}$: بردار نیرو $\vec{a}$: بردار شتاب F : اندازه بردار نیرو $\vec{a}$: اندازه بردار شتاب

نکته کمیت‌های برداری را نمی‌توان مثل دو عدد معمولی با هم جمع کرد؛ بلکه هنگام جمع و تفریق آن‌ها باید جهت را هم در نظر گرفت. اصطلاحاً می‌گوییم که کمیت‌های برداری از قواعد جمع برداری تبعیت می‌کنند. کاربرد دو نکته بالا را در مثال زیر ببینید:

مثال و پاسخ

مثال متحرکی ابتدا ۸ m به طرف غرب و سپس ۶ m به طرف جنوب رفته است. اگر جابه‌جایی‌های آن را به ترتیب با $\Delta \vec{r}_1$ و $\Delta \vec{r}_2$ نشان دهیم، حاصل عبارت‌های زیر را تعیین کنید.

پاسخ در جمع دو بردار، باید جهت آن‌ها را در نظر گرفت. حرکت داده‌شده مطابق شکل مقابل است و طبق قضیه فیثاغورس داریم:

پاسخ $\Delta \vec{r}_1 + \Delta \vec{r}_2$ به طرف جنوب غربی $\Delta \vec{r}_1 + \Delta \vec{r}_2 = \sqrt{8^2 + 6^2} = \sqrt{64 + 36} = \sqrt{100} = 10 \text{ m}$ جابه‌جایی کل

پ وقتی علامت پیکان را نگذاریم، فقط با اندازه جابه‌جایی سروکار داریم و جهت را در نظر نمی‌گیریم.

در این مثال، تفاوت «جابه‌جایی» و «مسافت پیموده‌شده» را هم به خوبی می‌بینیم.

$\Delta r_1 + \Delta r_2 = 8 \text{ m} + 6 \text{ m} = 14 \text{ m}$ مسافت پیموده‌شده

تمرین

۶- کمیت فیزیکی را تعریف کنید.

۷- یکا چیست؟

۸- نرده‌ای یا برداری بودن هر یک از کمیت‌های زیر را تعیین کنید.

الف) طول	ب) زمان	پ) مکان	ت) جرم
ث) نیرو	ج) دما	چ) فشار	ح) جریان الکتریکی

۹- تفاوت کمیت‌های عددی و برداری در چیست؟

اندازه‌گیری و دستگاه بین‌المللی یکاها



در قسمت قبل دیدیم که ممکن است شما به دوستان بگویید که از خانه شما تا خیابان ۱۵۰ قدم است. یکای مورد استفاده در این اندازه‌گیری، طول قدم است. به نظر شما انتخاب این یکا برای کمیت طول چه مزایا و چه معایبی دارد؟ در زمان‌های دور برخی پارچه‌فروش‌ها فاصله نوک بینی تا نوک انگشتان دست کشیده‌شده را به عنوان یکای طول استفاده می‌کردند. این کار آن‌ها چه مزایا و چه معایبی داشت؟

اگر یکای طول را به اندازه طول قدم یا فاصله نوک بینی تا نوک انگشتان دست تعریف کنید، این مزیت را دارد که همیشه در دسترس است، اما دقیق نیست و از فردی تا فرد دیگر دچار تغییر می شود.

برای این که اندازه گیری های درست و قابل اطمینانی داشته باشیم، باید یکاهایی را انتخاب کنیم که:

۱ تغییر نکنند. ۲ دارای قابلیت بازتولید در مکان های مختلف باشند.

انتخاب یکاها در طول تاریخ دچار تغییر و تحولاتی شده و حتی در کشورهای مختلف، یکاهای متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته است، اما این تغییر و تحول به سمت انتخاب یک دستگاه مناسب و مورد قبول همه کشورهای پیش رفته است.

دستگاه یکاهایی که بیشتر دانشمندان و مهندسان از آن استفاده می کنند را **دستگاه متریک** می نامند.

این دستگاه از سال ۱۳۳۸ (ه.ش) به طور رسمی **دستگاه بین المللی (SI)** نامیده شده است. پس در هر مسئله ای که با عبارت SI روبه رو شدید، منظورمان دستگاه استاندارد بین المللی یکاها است.

یکاهای SI را مجمع عمومی اوزان و مقیاس ها که در فرانسه قرار دارد، انتخاب و معرفی کرده است. تعیین این که چه کمیتی اصلی باشد و چه کمیتی فرعی هم به عهده همین مجمع است.

کمیت های اصلی و فرعی

جدول (۱): کمیت های اصلی و یکاهای آن

کمیت	نام یکا	نماد یکا
طول	متر	m
جرم	کیلوگرم	kg
زمان	ثانیه	s
دما	کلوین	K
مقدار ماده	مول	mol
جریان الکتریکی	آمپر	A
شدت روشنایی	گندلا (شمع)	cd

تعداد کمیت های فیزیکی خیلی زیاد است. اگر بخواهیم برای هر یک از آن ها یکای مستقلی تعریف کنیم، کار دشواری خواهیم داشت. خوشبختانه نیازی به این کار نیست و بسیاری از کمیت های فیزیکی به یکدیگر وابسته اند. یکی از کمیت های فیزیکی «مساحت» است. فرض کنید می خواهیم مساحت یک مستطیل را حساب کنیم. برای این کار، طول و عرض مستطیل را در هم ضرب می کنیم؛ در نتیجه کمیت مساحت را با استفاده از کمیت طول به دست آورده ایم؛ یعنی مساحت، یک کمیت مستقل نبوده و به کمیت طول وابسته است.

فیزیک دانان تعدادی از کمیت های فیزیکی را به عنوان کمیت های اصلی انتخاب کرده اند و بقیه کمیت ها را برحسب این کمیت ها بیان می کنند.

کمیت هایی که یکای آن ها به طور مستقل تعریف شده اند، **کمیت های اصلی** نامیده می شوند. کمیت های اصلی این ها هستند:

سایر کمیت ها که براساس کمیت های اصلی تعریف می شوند را **کمیت های فرعی** می نامیم. در جدول زیر، تعدادی از کمیت های فرعی پرکاربرد را می بینید:

جدول (۲): کمیت های فرعی پرکاربرد

کمیت	یکای SI	یکای فرعی براساس یکاهای اصلی
حجم	m^3	m^3
تندی و سرعت	m/s	m/s
شتاب	m/s^2	m/s^2
نیرو	نیوتون (N)	$kg \cdot m/s^2$
فشار	پاسکال (Pa)	$kg/m \cdot s^2$
چگالی	kg/m^3	kg/m^3
انرژی	ژول (J)	$kg \cdot m^2/s^2$
توان	وات (W)	$kg \cdot m^2/s^3$
گرمای ویژه	$J/kg \cdot K$	$m^2/s^2 \cdot K$

همان طور که در جدول بالا مشاهده می کنید، برای برخی از یکاهای فرعی پرکاربرد، یک نام خاص ارائه شده که کار ما را در استفاده از این کمیت ها راحت تر می کند. مثلاً یکای نیرو در SI، نیوتون و یکای فشار، پاسکال است.

مثال و پاسخ

مثال نشان دهید کمیت‌های فرعی حجم و تندی متوسط، چگونه به کمیت‌های اصلی وابسته‌اند.

پاسخ حجم یک شکل ساده مثل مکعب مستطیل را در نظر می‌گیریم. داریم: ارتفاع $\times$ عرض $\times$ طول = حجم مکعب مستطیل
طول، عرض و ارتفاع، هر سه از جنس کمیت اصلی طول هستند. بنابراین کمیت فرعی حجم با استفاده از کمیت اصلی طول به دست می‌آید.
برای تندی متوسط هم از رابطه‌ای که در علوم نهم یاد گرفتیم، استفاده می‌کنیم: $\text{تندی متوسط} = \frac{\text{مسافت پیموده شده}}{\text{مدت زمان صرف شده}}$
در این رابطه، مسافت از جنس طول و مدت زمان صرف شده از جنس زمان است. بنابراین تندی متوسط با کمک کمیت‌های اصلی طول و زمان تعریف می‌شود.

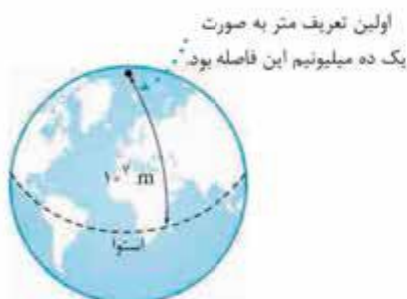
نکته مسافت پیموده شده معمولاً برحسب متر (m) یا کیلومتر (km) و زمان صرف شده معمولاً برحسب ثانیه (s)، دقیقه (min) و یا ساعت (h) بیان می‌شود. بسته به این که از کدام یکاها استفاده کنیم، تندی متوسط می‌تواند یکاهای مختلفی مانند: m/s، km/h، m/min و ... داشته باشد.

در میان هفت کمیت اصلی، سه کمیت از بقیه پرکاربردترند که یکای هر کدام را به طور مختصر معرفی می‌کنیم:

یکای طول

یکای طول در SI متر نام دارد که آن را با نماد m نشان می‌دهند. در قدیم یکای طول بر مبنای یک ده‌میلیونیم ($\frac{1}{10^7}$) فاصله استوا تا قطب شمال زمین تعریف شده بود که امروزه بر مبنای مسافت پیموده شده توسط نور تعریف می‌شود.

نمونه یکای طول استاندارد (متر)، فاصله میان دو خط نازک حک شده روی میله‌ای از جنس آلیاژ پلاتین - ایریدیم در دمای 0°C است که در موزه‌ای در فرانسه نگهداری می‌شود.



یکای جرم

یکای جرم در SI کیلوگرم و نماد آن kg است.

نمونه جرم استاندارد، استوانه‌ای فلزی از جنس آلیاژ پلاتین - ایریدیم است که در موزه‌ای در فرانسه نگهداری می‌شود.

نمونه‌های مشابهی از نمونه استاندارد طول و جرم ساخته و به کشورهای مختلف جهان ارسال شده است.



استاندارد ملی کیلوگرم
نمونه دقیقی که از روی استاندارد جهانی برای ایران ساخته شده است.

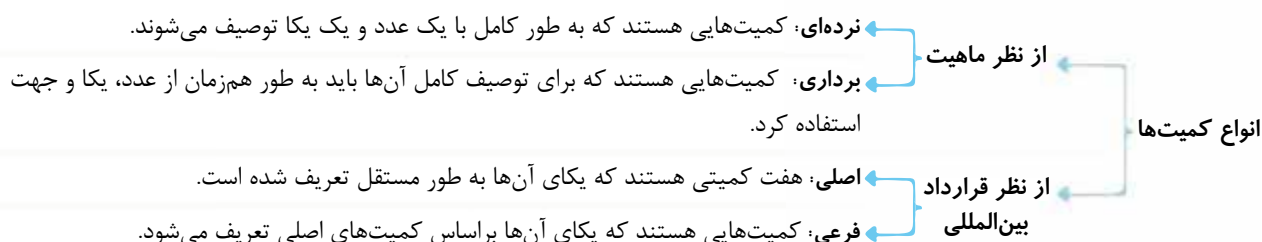
یکای زمان

یکای زمان در SI ثانیه و نماد آن s است.

ثانیه در قدیم برابر $\frac{1}{86400}$ یک شبانه‌روز تعریف شده بود، اما امروزه براساس ساعت‌های اتمی دقیق تعریف می‌شود.

بازه زمانی مدت زمان بین شروع و پایان یک رویداد است.

جمع‌بندی انواع کمیت‌ها در یک نمودار



پیشوندهای یکاها

در اندازه‌گیری کمیت‌های فیزیکی ممکن است با اندازه‌های خیلی بزرگ‌تر یا خیلی کوچک‌تر از یکای اصلی آن کمیت روبه‌رو شویم. در این موارد معمولاً از پیشوندهای یکاها استفاده می‌کنیم. هر کدام از این پیشوندها توان معینی از 10^n (یا همان 10^0) است. هر وقت یکی از این پیشوندها را در ابتدای یکای یک کمیت قرار دهیم، آن یکا به همان میزان بزرگ یا کوچک می‌شود. مثلاً اگر کیلو (10^3) را در اول یکای متر به کار ببریم، می‌شود km که هر 1 km برابر هزار متر است.

پیشوندهایی که کاربرد بیشتری دارند و بهتر است به خاطر سپرده شوند را در جدول (۳) می‌بینید:

جدول (۳): پیشوندهای پرکاربرد برای یکاها

پیشوند	ضریب تبدیل	نماد	پیشوند	ضریب	نماد
دسی	$\frac{1}{10} = 10^{-1}$	d	دکا	10	da
سانتی	$\frac{1}{100} = 10^{-2}$	c	هکتو	10^2	h
میلی	$\frac{1}{1000} = 10^{-3}$	m	کیلو	10^3	k
میکرو	$\frac{1}{10^6} = 10^{-6}$	μ	مگا	10^6	M
نانو	$\frac{1}{10^9} = 10^{-9}$	n	گیگا	10^9	G
پیکو	$\frac{1}{10^{12}} = 10^{-12}$	p	ترا	10^{12}	T

تبدیل یکاها

تبدیل یکاها در فیزیک اهمیت خیلی زیادی دارد. در فصل‌های بعدی، سال‌های آینده و تا هر وقتی که به فیزیک‌خواندن ادامه دهید، نیازمند تبدیل یکاها خواهید بود. در مسائل مختلف با دو نوع تبدیل یکا روبه‌رو می‌شویم:

۱) **تبدیل پیشوندهای یکا به یکدیگر:** این تبدیل‌ها چندان دشوار نیستند و فقط با تبدیل توان‌های 10 به یکدیگر روبه‌رو هستیم.

۲) **تبدیل یکاهای استاندارد و غیراستاندارد:** برای درست انجام دادن این تبدیل‌ها باید مقدارهای عددی معادل را بدانیم. مثلاً این که هر 60 ثانیه معادل یک دقیقه است، در تبدیل یکاهای ثانیه و دقیقه به یکدیگر کاربرد دارد.

ما برای تبدیل یکاها از روش تبدیل زنجیره‌ای استفاده می‌کنیم.

روش تبدیل زنجیره‌ای: ابتدا مقدار و یکای اولیه را می‌نویسیم. می‌دانیم که با ضرب هر کمیتی در عدد یک، اندازه آن کمیت تغییر نمی‌کند. بنابراین مقدار و یکای اولیه را در کسری ضرب می‌کنیم که برابر یک است؛ یعنی صورت و مخرج این کسر با این که یکاهای متفاوتی دارند ولی با هم برابر هستند؛ چنین کسری را **ضریب تبدیل** می‌نامند.

با ضرب یکای اولیه در یک یا چند ضریب تبدیل و ساده کردن کسرها می‌توان به یکای موردنظر دست یافت.

نمونه: ضریب تبدیل. همه کسرهای زیر برابر یک هستند و می‌توانند به عنوان ضریب تبدیل به کار روند:

$$\frac{1 \text{ ساعت}}{60 \text{ دقیقه}} = 1, \quad \frac{3600 \text{ ثانیه}}{1 \text{ ساعت}} = 1, \quad \frac{100 \text{ cm}}{1 \text{ m}} = 1, \quad \frac{1 \text{ m}}{100 \text{ cm}} = 1$$

نمونه: روش تبدیل زنجیره‌ای. می‌خواهیم ببینیم که ۵ متر مکعب آب برابر چند لیتر است؟

$$\underbrace{5 \text{ m}^3}_{\text{مقدار و یکای اولیه}} \times \underbrace{\frac{1000 \text{ L}}{1 \text{ m}^3}}_{\text{ضریب تبدیل}} = 5000 \text{ L}$$

مقدار و یکای مورد نظر

مثال و پاسخ

مثال: هر nm چند km است؟

پاسخ: در این مثال با تبدیل پیشوندهای SI به یکدیگر روبه‌رو هستیم. ابتدا ۱ nm را نوشته و آن را در کسرهایی که برابر یک هستند و فقط تبدیل واحد انجام می‌دهند (ضریب تبدیل)، ضرب می‌کنیم:

$$1 \text{ nm} \times \frac{1 \text{ m}}{10^9 \text{ nm}} \times \frac{1 \text{ km}}{10^3 \text{ m}} = 10^{-12} \text{ km}$$

مثال: تندی متوسط یک متحرک برابر ۷۲ km/h است. این تندی را در واحد SI به دست آورید.

پاسخ: یکای تندی در SI، m/s است. در این جا می‌خواهیم یکای غیراستاندارد را به یکای استاندارد تبدیل کنیم. مقدار اولیه را نوشته و آن را در کسرهایی که برابر یک هستند (ضریب تبدیل)، ضرب می‌کنیم:

$$72 \frac{\text{km}}{\text{h}} \times \frac{10^3 \text{ m}}{1 \text{ km}} \times \frac{1 \text{ h}}{3600 \text{ s}} = 20 \text{ m/s}$$

مثال و پاسخ

مثال: ۱۳۶۰۰ kg/m^۳ را به یکای g/cm^۳ تبدیل کنید.

$$13600 \frac{\text{kg}}{\text{m}^3} \times \frac{10^3 \text{ g}}{1 \text{ kg}} \times \frac{1 \text{ m}^3}{10^6 \text{ cm}^3} = 13.6 \text{ g/cm}^3$$

مثال: سرعت شناورهای دریایی معمولاً برحسب یکایی به نام گره بیان می‌شود.

هر گره دریایی برابر ۵۱۴۴/۰ متر بر ثانیه است. سرعت یک کشتی که برابر ۱۴ گره است را برحسب کیلومتر بر ساعت به دست آورید.



$$14 \text{ گره} \times \frac{5144 \text{ m}}{1 \text{ گره}} \times \frac{3600 \text{ s}}{1 \text{ h}} \times \frac{1 \text{ km}}{1000 \text{ m}} = 25.9 \text{ km/h}$$

(برای تبدیل یکاهای m/s و km/h به یکدیگر، داریم: $\frac{\text{km/h}}{3.6} = \text{m/s}$ و $\text{m/s} \times 3.6 = \text{km/h}$)

مثال: تغییر یک کمیت نسبت به زمان را آهنگ آن کمیت می‌نامند. یک آتش‌نشان

برای خاموش کردن آتش، از شیلنگ آبی استفاده می‌کند که آهنگ خروج آب از آن در حدود ۱۷۰۰۰ cm^۳/s است. با روش تبدیل زنجیره‌ای، مشخص کنید که در هر دقیقه چند لیتر آب از شیلنگ خارج می‌شود؟



پاسخ: این مثال را با گرمیداشت یاد و خاطره همه آتش‌نشانان فداکار، مخصوصاً آتش‌نشانان

جان‌باخته در حادثه ساختمان پلاسکو تهران حل می‌کنیم. می‌خواهیم آهنگ خروج آب را

برحسب یکای لیتر بر دقیقه (L/min) به دست آوریم:

$$17000 \frac{\text{cm}^3}{\text{s}} \times \frac{1 \text{ L}}{1000 \text{ cm}^3} \times \frac{60 \text{ s}}{1 \text{ min}} = 1020 \text{ L/min}$$

نکته: اگر یکای یک کمیت توان‌دار باشد، ضریب تبدیل را هم به توان موردنظر می‌رسانیم.

مثال و پاسخ

مثال: مساحت ۲/۴ m^۲ را برحسب سانتی‌متر مربع به دست آورید.

$$2.4 \text{ m}^2 \times \frac{10^2 \text{ cm}}{1 \text{ m}} \times \frac{10^2 \text{ cm}}{1 \text{ m}} = 2.4 \times 10^4 \text{ cm}^2$$

مثال: هکتار یکی از یکاهای مساحت است. هر هکتار برابر ۱۰ هزار متر مربع است. اگر زمین را کره‌ای به شعاع ۶۴۰۰ km فرض

کنیم، مساحت آن چند هکتار است؟

$$A = 4\pi r^2 \text{ : رابطه مساحت کره}$$

$$A = 4\pi \times (6400 \text{ km})^2 = 5.1 \times 10^8 \text{ km}^2 \quad 5.1 \times 10^8 \text{ km}^2 \times \frac{10^6 \text{ m}^2}{1 \text{ km}^2} \times \frac{1 \text{ هکتار}}{10^4 \text{ m}^2} = 5.1 \times 10^4 \text{ هکتار}$$

نکته فقط زمانی اجازه داریم دو واحد را به هم تبدیل کنیم که هر دو از جنس یک نوع کمیت باشند. مثلاً نمی توانیم m را که از جنس طول است به متر مربع (از جنس مساحت) تبدیل کنیم.

سازگاری یکاها

از دو دانش آموز می خواهیم اندازه نیروی وارد بر جسمی به جرم 50 g را که با شتاب 2 m/s^2 در حال حرکت است، برحسب نیوتون (N) به دست آورند. هر دو دانش آموز از رابطه قانون دوم نیوتون ($F = ma$) استفاده می کنند. جواب آن ها را ببینید:

دانش آموز اول	دانش آموز دوم
$F = ma = (50\text{ g})(2\frac{\text{m}}{\text{s}^2}) = 100\text{ N}$	$m = 50\text{ g} \times \frac{1\text{ kg}}{1000\text{ g}} = 0.050\text{ kg}$
	$F = ma = (0.050\text{ kg})(2\frac{\text{m}}{\text{s}^2}) = 0.1\text{ N}$

با این که هر دو دانش آموز از یک رابطه استفاده کرده اند، جواب های آن ها هزار برابر با هم فرق می کند! به نظر شما کدام جواب درست است؟ در استفاده از فرمول های فیزیک همیشه باید حواسمان به یکاهایی که استفاده می کنیم، باشد. اگر بخواهیم جواب مسئله ما برحسب یکای SI بیان شود، عددهایی که در فرمول قرار می دهیم باید برحسب SI نوشته شوند؛ یعنی یکاهای دو طرف معادله باید با هم سازگار باشند. حالا به راحتی می توانیم بگوییم که جواب دانش آموز اول اشتباه است و او سازگاری یکاها را رعایت نکرده است. دانش آموز دوم با تبدیل یکایی که انجام داد، به جواب درستی رسید.

سازگاری یکاها رعایت شده است

$$F = ma = (0.050\text{ kg}) \times (2\frac{\text{m}}{\text{s}^2}) = 0.1\text{ N}$$

در جدول (۲) دیدیم که kg.m/s^2 را نیوتون (N) می نامند.

نمادگذاری علمی

در فیزیک با عددهایی روبه رو می شویم که گاهی بسیار بزرگ و گاهی بسیار کوچک هستند. نوشتن این عددها به صورت معمولی، یا با تعداد زیادی صفر در جلوی عدد همراه است یا با رقم های زیاد اعشاری. مثلاً اگر بخواهیم سرعت نور در خلأ را به صورت معمولی بنویسیم، داریم: 300000000 m/s و اگر این عدد بخواهد به توان ۲ برسد (مثلاً در فرمول $E = mc^2$)، یک ۹ داریم با ۱۶ صفر در جلوی آن! نمادگذاری علمی، ما را از شر این صفرها راحت می کند. در نمادگذاری علمی، هر عدد به صورت عددی بین ۱ تا ۱۰ نوشته می شود که در توانی از ۱۰ ضرب شده است؛ یعنی هر عددی در نمادگذاری علمی این شکلی نوشته می شود: $a \times 10^n$ که در آن $1 \leq a < 10$.

عدد n برابر تعداد ارقامی است که ممیز را جابه جا کرده ایم تا یک عدد معمولی را به فرم نمادگذاری علمی بنویسیم. اگر ممیز را به سمت چپ برده باشیم، عدد n مثبت و اگر ممیز را به سمت راست ببریم، عدد n منفی است.

$$159\text{ L} \xrightarrow[n=2]{\text{رقم ممیز را به چپ می ببریم.}} 1.59 \times 10^2\text{ L}$$

$$0.00000801\text{ m} \xrightarrow[n=-6]{\text{رقم ممیز را به راست می ببریم.}} 8.01 \times 10^{-6}\text{ m}$$

مثال و پاسخ

مثال عددهای داده شده را به صورت نمادگذاری علمی بنویسید.

الف $0.0023 = \dots\dots$

ب $879000 = \dots\dots$

ب $0.000715 \times 10^2 = \dots\dots$

ت $313000 \times 10^{-4} = \dots\dots$

۳/۱۳ × ۱۰^۱ الف

۷/۱۵ × ۱۰^{-۲} ب

۸/۷۹ × ۱۰^{-۵} ب

۲/۳ × ۱۰^{-۳} الف پاسخ

پاسخ تمرین‌ها

۱- آزمون‌پذیری - اصلاح نظریه‌های فیزیکی

تفکر نقادانه - اندیشه‌ورزی فعال

۲- ممکن است آزمایش جدیدی انجام شود و نتایج آن نشان دهد که مدل یا نظریه قبلی نیازمند تغییر، بازنگری و یا حتی جایگزینی است.

۳- مدل‌سازی فرایندی است که در آن، یک پدیده فیزیکی را آن قدر ساده و آرمانی در نظر می‌گیریم تا امکان بررسی و تحلیل آن فراهم شود.

۴- در یک مدل‌سازی خوب و درست، باید از تعداد اندکی از اثرهای جزئی‌تر چشم‌پوشی شود تا بتوان روی مهم‌ترین ویژگی‌ها تمرکز نمود.

۵- در شکل نشان داده شده، جهت انتشار نور به صورت یک خط مستقیم و بدون پراکندگی رسم شده که در واقع این‌گونه نیست. در عمل، مقداری پراکندگی نور وجود دارد. پرتوهای نور رسم‌شده در شکل هم کاملاً موازی هستند، در حالی که در عمل، به طور کامل موازی نیستند. در واقع در رسم این شکل، پراکندگی‌های نوری و موازی‌نبودن صددرصدی را نادیده گرفته و شکل ساده‌تری با استفاده از مدل‌سازی رسم کرده‌ایم.

مانند قسمت ، در مسائل تشکیل تصویر توسط پرتوهای

نور هم از پراکندگی‌ها و موازی‌نبودن پرتوها چشم‌پوشی کرده و مدل ساده‌تری رسم می‌کنیم. علاوه بر آن، معمولاً دسترسی به یک پرتو واقعی نیز در آزمایشگاه مقدور نیست و اغلب، باریکه نور را به صورت یک پرتو نور مدل‌سازی می‌کنیم.

۶- هر چیز قابل اندازه‌گیری در فیزیک را کمیت فیزیکی می‌نامند.

۷- یکای هر کمیت، مقدار مشخصی از آن کمیت است که به عنوان مقیاس اندازه‌گیری انتخاب می‌شود. در واقع هر اندازه‌گیری، مقایسه یک کمیت با یکای آن کمیت است.

۸- نرده‌ای	نرده‌ای	برداری
نرده‌ای	برداری	نرده‌ای
نرده‌ای	نرده‌ای	

کمیت‌های فشار و جریان الکتریکی از قواعد جمع معمولی پیروی می‌کنند و به همین دلیل نرده‌ای هستند.

۹- در بیان کمیت‌های عددی یا نرده‌ای از یک مقدار عددی و یک یکا استفاده می‌شود، اما کمیت‌های برداری علاوه بر عدد و یکا، نیازمند تعیین جهت هم هستند.